

مقاله پژوهشی

تبیین جامعه‌شناختی پیامدهای نابرابری اجتماعی-اقتصادی در استان‌های غرب کشور

(ایلام، کردستان، کرمانشاه)

فروزان کارخانه^۱؛ حسن رضا یوسفوند^۲؛ حسین دهقان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

چکیده

نابرابری اجتماعی شامل کمبود و یا فقدان دسترسی افراد در جامعه‌ی انسانی به موقعیت‌ها و فرصت‌های برابر اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، قومی و... بوده و جوامع مبتلا به نابرابری اجتماعی-اقتصادی همواره با تهدیدها، ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی و نارضایتی عمومی در ابعاد فردی و اجتماعی مواجه هستند. از این‌رو، بررسی جامعه‌شناختی این پدیده امری ضروری و هدف پژوهش حاضر است. روش پژوهش، از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر ماهیتی روش تحقیق کیفی است که مصاحبه با ۲۰ نفر از مطلعین در استان‌های هدف تحقیق، به روش پدیدارشناسی صورت گرفته، نمونه‌گیری هدفمند، ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه عمیق ساختارنیافته، مشاهده مشارکتی و یادداشت‌های میدانی بوده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نابرابری‌های اجتماعی، از سویی موجب بروز فقر می‌شوند و از سوی دیگر، خاستگاه بروز کشمکش‌ها و تضادهای اجتماعی می‌گردند. لذا مهم‌ترین پیامد نابرابری‌های اجتماعی؛ شکاف طبقاتی، ایجاد اختلال در نظم و انسجام و همبستگی اجتماعی یک جامعه است که به تبع آن، احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌عدالتی اجتماعی در افراد به وجود می‌آید. تم‌های حاصل از تجربه زیسته نابرابری اجتماعی-اقتصادی که در بین مردمان ساکن استان‌های غرب کشور استخراج شده‌اند، حاکی از وجود تبعیض و نابرابری اجتماعی و اقتصادی در این استان‌هاست که آمارها نیز این مهم را تأیید می‌کند. نابرابری اقتصادی منجر به کاهش مشارکت اجتماعی در سطح جامعه می‌شود. نابرابری‌های اجتماعی در اثر

^۱. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. fkarkhaneh@pnu.ac.ir

^۲. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

Yosofvand@pnu.ac.ir

^۳. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

dehqan.azad@gmail.com

گسترش و نفوذ جهانی عمیق‌تر شده و با افزایش نابرابری‌های اجتماعی پدیده‌ی توسعه نیافتگی به نحو بارزی عوارض نامطلوب خود را آشکار ساخته است.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی؛ درآمد؛ فقر؛ نابرابری اجتماعی؛ نابرابری اقتصادی.

مقدمه و طرح مسأله

بررسی تاریخیچه نابرابری نشان می‌دهد در حالی که برخی از سطوح نابرابری، همیشه یک واقعیت در جامعه بوده است، درجه نابرابری در طول زمان تغییر کرده است و این در نتیجه نیروهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، سیاسی و غیره است (کینزلی، ال و همکاران^۱، ۲۰۲۱: ۴۰). نابرابری در یک جامعه، زمانی رخ می‌نماید که افراد مختلف جامعه، میزان متفاوتی از پول (درآمد یا ثروت سالیانه) قدرت و منزلت را در اختیار داشته باشند (کرون، ۱۳۹۰: ۸۴). روند نابرابری در کشورهای مختلف با سطوح توسعه، افزایش و کاهش می‌یابد. هرچند نابرابری در میان برخی کشورها به صورت نسبی کاهش یافته، اما همچنان انواع دیگر نابرابری‌ها وجود دارد. نابرابری، اختلاف بالقوه‌ای بر ثبات و انسجام یک ملت می‌گذارد. ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، دارای سطوح مختلف نابرابری‌ها در بین استان‌ها است و اگرچه تلاش‌های بسیاری از طریق برنامه‌های مختلف توسعه، برای رفع این نابرابری‌ها انجام شده است، ولی به دلایل مختلف و الگوهای نامناسب توسعه، همچنان نابرابری‌های بسیاری در بین استان‌های آن مشهود و ملموس است؛ که این امر پیامدهای مختلفی از جمله جرایم خشونت‌آمیز (قتل) و بیکاری را در بین استان‌ها به همراه داشته است. می‌توان گفت نابرابری اجتماعی، دلالت‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز دارد (زاهدی، ۱۳۹۳: ۴۰؛ چلبی، ۱۳۹۵: ۲۱۹).

استان‌های ایلام، کردستان و کرمانشاه در دوره‌های تاریخی با توجه به مرزی بودن، تنش‌ها و مسائل متعددی با کشورهای همسایه تجربه کرده‌اند، ازجمله آن می‌توان به مسائلی که با کشور عراق و گروهک‌ها داشته‌اند اشاره داشت که هم اکنون نیز ادامه دارد. که این امر استان‌های مذکور و کل کشور را با خسارات بی‌شماری مواجه ساخته و پیامدهای زیادی از قبیل افزایش مهاجرت، مسائل و آسیب‌های اجتماعی مانند خودکشی، فقر، بیکاری و... به همراه داشته است. از سوی دیگر مشکلات زیست‌محیطی از قبیل ریزگردها، سیل، خشک‌سالی، زلزله و ... باعث گردیده، دامنه نابرابری و پیامدهای آن افزایش پیدا کند و کیفیت زندگی در این استان‌ها در مقایسه با دیگر استان‌های کشور، به شکل قابل توجهی کاهش یابد. بدین سبب، شناخت پیامدهای نابرابری می‌تواند

¹ Kinsley, Kimberley L. et all

محركی برای مقابله با این پدیده در سطوح خرد، میانه و کلان باشد. از این‌رو در صدد پاسخ به این پرسش است که پیامدهای نابرابری در منطقه غرب کشور، استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام کدامند؟ پژوهش به تبیین پیامدهای نابرابری اجتماعی-اقتصادی در منطقه غرب کشور پرداخته و اینکه ساکنان منطقه غرب کشور چه تجربه‌ای از نابرابری اجتماعی-اقتصادی دارند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی پیرامون موضوع نابرابری اجتماعی-اقتصادی و عوامل مؤثر و مرتبط با آن صورت گرفته که از این میان به برخی از جدیدترین و مهم‌ترین تحقیقات داخلی و خارجی اشاره شده است. کریمی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «اندازه‌گیری سهم رشد و نابرابری در کاهش فقر (مطالعه موردی استان‌های ایران)» انجام دادند. هدف از این پژوهش، دستیابی به سهم رشد و نابرابری در کاهش فقر در کل استان‌های ایران است و در این مطالعه با استفاده از شاخص فقر، سن، روش تجزیه فقر کاکوانی و روش ریاضیاتی متفاوت برای استان‌های ایران، طی دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۸۴ مورد محاسبه قرار گرفته است و نتایج مطالعه حاکی از آن است که در استان یزد هر دو اثر درآمدی و اثر توزیعی، در یک راستا و به نفع فقرا عمل کرده و منجر به کاهش فقر گشته‌اند، در حالی که در استان‌های کرمانشاه، خراسان رضوی، اصفهان و زنجان، وضعیت توزیع درآمدها و میانگین درآمدها، به نحوی عمل کرده که تقریباً یکدیگر را خنثی کرده‌اند، به این صورت که میانگین درآمدها افزایش یافته و فقر را کاهش داده، اما از دیگرسو نابرابری افزایش یافته و منجر به افزایش فقر گشته است؛ اما وضعیت در استان البرز متفاوت است، به نحوی که با وجود این که کاهش میانگین درآمدها فقر را افزایش داده، اما بهبود وضعیت توزیع درآمدها، نه تنها آثار منفی سهم درآمدی را از بین برده است، بلکه در نهایت، منجر به کاهش فقر گشته است. لکن در استان‌های گیلان، خوزستان، فارس، همدان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، تهران، قم، خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان، اثر توزیعی و اثر درآمدی در یک راستا بر فقر تأثیر گذاشته و باعث افزایش آن گشته‌اند و در سایر استان‌ها، وضعیت توزیع درآمدها به گونه‌ای تغییر کرده که علی‌رغم افزایش میانگین درآمدها، منجر به افزایش فقر شده است. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تنها در تعداد کمی از استان‌های کشور، فقر طی دوره تحت بررسی کاهش یافته است و اثر توزیعی یا اثر درآمدی یا هر دو آن‌ها منجر به افزایش فقر گشته‌اند.

بوستانی کیابی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نابرابری اجتماعی و موانع عدالت اجتماعی در تحقق الگوی توسعه و پیشرفت شهرستان ساری»، سطح اقتصادی و اجتماعی شهروندان و میزان برخورداری از خدمات شهری در شهر ساری را مورد بررسی قرار داده است. نوع پژوهش، - کاربردی- تطبیقی و روش پژوهش، تفسیری- تاریخی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر

از روش‌کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهر ساری در اثر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاست‌های فضایی ناکارآمد با چرخه نامطلوبی از نابرابری و بی‌عدالتی در توزیع خدمات شهری روبه‌رو شده است که باعث ایجاد موانع و محدودیت‌هایی جهت دستیابی به عدالت اجتماعی شده است و این شهر را با چرخه نامطلوبی از نابرابری و بی‌عدالتی در توزیع خدمات شهری روبه‌رو ساخته و باعث ایجاد موانع و محدودیت‌هایی جهت دستیابی به عدالت اجتماعی شده است. همچنین میر (۱۴۰۰) طی پژوهشی با عنوان «شکاف طبقاتی و وضعیت فقر و نابرابری» به بررسی وضعیت شاخص‌های ضریب جینی و نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، به عنوان دو نمونه از مرسوم‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی وضعیت شکاف طبقاتی و نابرابری درآمد، پرداخته است. نتایج بیانگر آن است که در سال‌های اخیر، فاصله طبقاتی افزایش یافته و تورم، رکورد و بیکاری، رشد جمعیت و کاهش درآمد حقیقی حقوق‌بگیران از مهم‌ترین دلایل گسترش شکاف طبقاتی است.

پیرامون پژوهش‌های انجام شده خارجی می‌توان به نتایج تحقیق نقوانه^۱ (۲۰۲۱) که پژوهشی با هدف «برداشت‌ها و نگرش‌های افراد نسبت به نابرابری اجتماعی» انجام داده است، اشاره داشت. وی چنین بیان می‌کند که؛ بین ادراک نابرابری و عوامل غیرشایسته‌سالارانه، رابطه مثبت و بین ادراک نابرابری و شایسته‌سالارانه رابطه منفی وجود دارد و درک مردم از نابرابری، تنها تحت تأثیر این عوامل نیست بلکه عوامل دیگری مثل جنسیت، دسترسی به آموزش و... نیز تأثیرگذار است. وانگ و همکاران (۲۰۱۹)^۲ نیز به بررسی «شخصیت و تفاوت‌های فردی، مهارت سیاسی و نتایج آن در زندگی اجتماعی» پرداخت، با تجزیه و تحلیل رتبه‌بندی‌ها توسط خود، دوستان و ادراک‌کنندگان، متوجه شدند مهارت سیاسی در واقع با انواع پیامدهای زندگی اجتماعی مرتبط است. مهارت سیاسی، به‌ویژه توانایی شبکه‌سازی با عوامل فردی همبستگی مثبت دارد و با همه پیامدهای زندگی اجتماعی همبستگی مثبت دارد بین هوش و نفوذ رابطه معنی‌داری وجود دارد.

از عوامل مهم شناسایی شده در این مطالعات می‌توان به فقر، میزان درآمد و عدم دسترسی به امکانات رفاهی اشاره کرد؛ اما آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، پرداختن به عامل بسیار اساسی و ریشه‌ای پیامدهای نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی است. پیامدهای اجتماعی سطح وسیعی را شامل می‌شود و به دلیل کمبود زمان، ما نمی‌توانستیم به همه پیامدها بپردازیم، در نتیجه، پیامدهایی که نمود عینی بیش‌تر در سطح جامعه دارند مانند آسیب‌های اجتماعی

^۱ . Nqwane

^۲ Wang

(خودکشی، جرایم خشونت‌آمیز، قتل)، بیکاری و مهاجرت و فقر را بررسی کردیم. برای تحلیل پیامدهای نابرابری علاوه بر شاخص‌های عینی، از شاخص‌های ذهنی، اینکه درک مردم از نابرابری‌ها چیست استفاده شده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

نابرابری اجتماعی-فرهنگی به موضوع‌هایی همچون شکاف بین پولدارها و فقرا یا تفاوت میان فرادستان و فرودستان توجه دارد. نابرابری اجتماعی به‌طور کلی‌تر، به تفاوت‌هایی میان افراد یا جایگاه‌هایی که به‌صورت اجتماعی تعریف شده و آنها را اشغال کرده‌اند، اشاره می‌کند که بر نحوه زندگی آنها، خاصه بر حقوق و فرصت‌ها و پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تاثیر دارد. مهم‌ترین تفاوت‌ها، تفاوت‌هایی هستند که به معنی کلمه، ساختاری شده‌اند، تفاوت‌هایی که جزء لاینفک کنش متقابل و مستمر افراد هستند. این تفاوت‌ها الگوهای ساخت‌یافته‌ای ایجاد می‌کنند که در طول زمان و مکان‌های مختلف، کم و بیش پایدار باقی می‌ماند (گرب، ۱۳۹۹: ۱۰). از عوامل بنیادی مؤثر بر نابرابری منطقه‌ای، امکانات و شرایط فرهنگی-اجتماعی هر منطقه است. نهادهای غیر رسمی همچون سطوح اعتماد، اطاعت از قانون و الگوهای فرهنگی، به‌ترتیب با ایجاد شبکه‌سازی اجتماعی، گسترش مشارکت مردمی و افزایش آرامش روانی و اطمینان، بر سطح توسعه نابرابری منطقه‌ای اثرگذار هستند (سوکولویکز^۱، ۲۰۱۴: ۲۴۵).

نابرابری اقتصادی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای است، وجود نیروهای جاذبه در مناطق برخوردار اقتصادی، امکان توسعه اشتغال، کسب درآمد بیشتر، افزایش رفاه، مهاجرت و تمرکز جمعیت را موجب شده و متعاقباً، بر رشد تقاضا و تولید مؤثر خواهد بود. از این رو، بر توسعه اقتصادی تأثیرگذار است (کروگمن، ۱۹۹۷: ۳۶).

نظام ارزش‌های اجتماعی: هنجارها و ارزش‌ها در حقیقت عقاید و نمادهایی‌اند که در ذهن افراد به منزله ضوابط و ضمانت اجرایی برای کنش‌های متقابل محسوب می‌شوند (پارسونز^۲، ۱۹۵۱: ۳۲۷؛ ویلیامز^۳، ۱۹۶۰: ۲۰-۳۰). هنجارها و ارزش‌ها را گاه معادل ساختارهایی می‌دانند که نمایانگر آنهاست، در مواردی ارزش‌ها و هنجارها با روابط اجتماعی مطابقت ندارند (گرب، ۱۳۹۹: ۱۲۲). دوام نابرابری بیش از هر چیز، متکی به نظام ارزش‌های اجتماعی است. قدرت با استفاده از نظام ارزش‌های اجتماعی موقعیت خود را تثبیت کرده و مشروعیت می‌بخشد (زاهدی، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۷).

^۱ Sokolowics , M. E

^۲ Talcott Parsons

^۳ Williams, Robin

ریزمن و انگویا^۱ تفاوت نابرابری اقتصادی و اجتماعی را به شکل واضحی با تمایز نهادن بین استثمار و تبعیض بیان کرده‌اند. آن‌ها، نابرابری اقتصادی را نوعی استثمار و نابرابری اجتماعی را تبعیض می‌دانند. در نابرابری اجتماعی، بیشتر توجه معطوف به تفاوت‌های کمی و کیفی میان اقشار و طبقات تشکیل‌دهنده ساختار جامعه و روند تحول در میان اقشار و طبقات جامعه است تا صرف کمیت دارایی و درآمد (ریزمن و انگویا، ۱۳۸۸: ۲۵۱).

جدول شماره یک- تفاوت نابرابری اقتصادی و نابرابری اجتماعی

مفهوم	استثمار(نابرابری اقتصادی)	تبعیض(نابرابری اجتماعی)
پیروان	پیروان مارکس	نئووبری‌ها
شامل	تصاحب اضافی و مبادله نابرابر	نابرابری فرصت‌های زندگی
وضوح رابطه	پایین	بالا
عناصر رابطه	جایگاه‌ها	افراد
خاستگاه و حوزه	اقتصاد محض	اقتصادی و فرا اقتصادی
نابرابری	مشروط، بخشی	جامعه و فراگیر
سلسله مراتب	نیمه تدریجی	ملاحظه‌کار
فعالیت عمده	ابزاری، اقتصادی	بیانی، فرهنگی
عنصر بنیادی	منفعت	هویت
حد و مرزها	بسته (محصور)	باز(آزاد)
تعلق به گروه	اکتسابی	انتسابی
تحرك	پیدا(حاضر)	پنهان

منبع: ریزمن و انگویا، ۱۳۸۸: ۲۵۱

نادیده گرفتن نیازهای انسانی و یا مسائل (مالی، اجتماعی، سیاسی و سرمایه‌های انسانی)، به بیگانگی سرمایه طبیعی جامعه به نسبت سایر سرمایه‌های جامعه کمک می‌کند. این سناریو بیشتر کاهش سرمایه‌های اجتماعی را تشدید می‌کند و مانعی بر سر راه توسعه جامعه می‌شود.

جدول شماره دو- خلاصه سرمایه‌های جامعه

سرمایه‌ها	توضیحات
اجتماعی	شامل پیوندهای نزدیک بین خانواده و دوستان، جوامع، گروه‌ها، سازمان‌ها، شبکه‌ها و اعتماد به جامعه، احساس تعلق است و پیوندها بین مردم می‌تواند بر سهام و جریان سایر سرمایه‌ها تأثیر بگذارد و همچنین تحت تأثیر قرار گیرد.

¹ Riesman and Nguya

انسانی	«مردم» منابع انسانی هستند. این شامل قابلیت‌های رهبری، دانش، خرد، اطلاعات و مهارت‌های افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند.
طبیعی	شامل منابعی که در دنیای طبیعی وجود دارد. برخی از آنها ممکن است محدود به خاک، دریاچه‌ها، منابع طبیعی، زیبایی‌های طبیعت، رودخانه‌ها، جنگل‌ها، حیات وحش محلی باشد و جوامع با این منابع برای رفع نیازهای معیشتی کار می‌کنند.
مالی	شامل منابع مربوط به پول و دسترسی به بودجه، ثروت، امور خیریه و دادن کمک هزینه فیزیکی ساخته شده است.
ساختمان و زیرساخت	شامل خانه‌ها، مدارس، مشاغل، درمانگاه‌ها، کتابخانه‌ها، سیستم‌های آب، شبکه برق، سیستم‌های ارتباطی، جاده‌ها، سیستم‌های حمل و نقل و غیره می‌باشد.
فرهنگی	نحوه نگرش جوامع به جهان را فرهنگ تعریف می‌کند که شامل روش‌های سنتی انجام دادن و بودن - عادات و نگرش‌ها است. بر این اساس رقص، داستان، میراث، غذا و سنت‌ها و همچنین ارزش‌ها و ارتباط با روح از جمله عوامل فرهنگی محسوب می‌شود. در این راستا سرمایه فرهنگی نیز منبعی برای جذب گردشگری است.
سیاسی	شامل قدرت و ارتباطات اجتماعی با افرادی که قدرت دارند می‌شود. جوامع هنگامی که برای حل یک موضوع بحث برانگیز متحد می‌شوند، سرمایه سیاسی با ایجاد ارتباطات با رهبران سیاسی و اجتماعی در داخل و خارج از جامعه نیز معنا یافته و همچنین به توانایی مردم برای یافتن صدای خود و مشارکت در اقداماتی که به رفاه جامعه آنها کمک می‌کند اشاره دارد.

منبع: آگنر و همکاران (۲۰۰۲)

مفهوم نظری

در پیش‌بینی پیامدهای نابرابری اجتماعی و اقتصادی مختلف، به‌منظور تأکید بر نقش نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، از رویکرد کارکردگرایی و دیدگاه انتقادی تضاد در باب نابرابری اجتماعی استفاده گردیده است. نظریه کارکردگرایی استدلال می‌کند که نابرابری یک نتیجه مورد انتظار و مطلوب در عملکرد جوامع است. این امر به دلیل پیوند آن با قشربندی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است، به این معنا که در یک جامعه، افراد ذاتاً دارای موقعیت‌های مختلفی هستند که به‌طور کلی، وضعیت موجود جامعه را تعریف می‌کند. ریچی (۲۰۱۶) ادعا می‌کند که این نظریه برای برخی از موقعیت‌ها، ارزش بیشتری نسبت به سایرین دارند، نابرابری پس از آن مطلوب می‌شود. یعنی افراد دارای موقعیت بالا در جامعه، باید بیشتر از دیگران پاداش دریافت کنند و نابرابری را به‌ویژه برای افراد در رده‌های بالای جامعه، جذاب‌تر کنند. علاوه بر این، کارکردگرایان معتقدند که قشربندی اجتماعی برای تشویق درخشندگی، تولید با کیفیت بالا، کارایی و در نتیجه ارائه پاداش به افراد برای تلاش بسیار مهم است.

از دیدگاه فتنه (۲۰۱۸: ۱-۱۴). نابرابری، افراد را به تلاش بیشتر و دست‌یابی به اهداف بیش‌تر برای افزایش جایگاه خود در رتبه‌ی اجتماعی سوق می‌دهد و اثر کلی آن، یک اقتصاد پررونق است. به عقیده‌ی این نظریه‌پردازان، این‌گونه است که جوامع باید کار کنند و نابرابری را امری اجتناب‌ناپذیر و مطلوب می‌دانند.

از سوی دیگر، کلی و ایوانز^۱ (۲۰۱۸) کارل مارکس^۲، وبر^۳، پارکین^۴ و بلاو^۵ از نظریه‌پردازان تضاد علیه قشربندی اجتماعی، استدلال می‌کنند که منابع، تنها به‌نفع بخش کوچکی از جمعیت است درحالی‌که اکثریت جمعیت، محروم مانده‌اند. در واقع، از نظر آنها، قشربندی اجتماعی باعث تداوم نابرابری و ایجاد ناامیدی و درگیری در جامعه می‌شود. این نظریه از یافته‌های اولیه‌ی کارل مارکس در قرن نوزدهم عصرصنعتی شدن، حمایت می‌کند (فتنه، ۲۰۱۸: ۱-۱۴). بر این اساس، افراد دارای جایگاه بالا در جامعه، صاحب کارخانه شدند و به سود، منفعت و ثروت رسیدند، درحالی‌که کارمندان آنها دستمزدهای بسیار کمی می‌گرفتند که برای بقا کافی نبود. چنین کارگرانی به دلیل موقعیت ناتوانی که در جامعه داشتند، بدبخت شدند. علاوه براین، علیپراتیس و کارول^۶ (۲۰۱۹) استدلال می‌کنند که نظریه‌پردازان تضاد بر این باورند که نابرابری در نتیجه‌ی افراد حریص و طمع‌کار همان سرمایه‌داران است که مایلند خود را به قیمت استثمار افراد طبقه‌ی پایین پرولتاریا، ثروتمند کنند. در نهایت، نظریه‌پردازان تضاد ادعا می‌کنند که نابرابری اجتماعی، از پیشرفت در جوامع جلوگیری می‌کند و توسعه‌ی آنها را به تأخیر می‌اندازد، زیرا آنهایی که در موقعیت‌های قدرتمند هستند، به سرکوب افراد کمتر قدرتمند ادامه می‌دهند.

بوردیو، دولت را به‌عنوان مکان کشمکش بر سر انحصار آنچه او خشونت نمادین می‌نامد، دانسته و بر این باور است که این نوع خشونت، شکل ملایمی از خشونت است، چون در اعمال آن، خود عاملی که بر علیه او خشونت اعمال می‌شود، همدستی می‌کند. خشونت نمادین، به‌صورت غیرمستقیم و بیش‌تر از طریق سازوکارهای فرهنگی، اعمال می‌شود. نظام آموزشی، نهاد اصلی‌ای است که از طریق آن، خشونت نمادین بر مردم اعمال می‌شوند. زبان، معنی‌ها و نظام نمادین افراد موجود در رأس قدرت، بر بقیه‌ی افراد جامعه تحمیل می‌شود. بوردیو، فرهنگ را به‌عنوان نوعی اقتصاد یا بازار در نظر می‌گیرد. این سرمایه تا حد زیادی از خاستگاه‌های طبقه‌ی اجتماعی مردم و تجربه‌ی آموزشی آنها سرچشمه می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۹۰: ۲۸۲-۲۷۲).

¹ Kelley, J., & Evans, M.D.R

² Karl Marx

³ Weber

⁴ Parkin

⁵ Blau

⁶ Prentice and Carroll

روش تحقیق

این پژوهش، از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر ماهیتی، روش تحقیق کیفی است. با استفاده از تکنیک مشاهده مشارکتی، یادداشت‌های میدانی و مصاحبه ساختاریافته با صاحب‌نظران و مطلعین ساکن در استان‌های (ایلام، کردستان، کرمانشاه)، داده‌ها جمع‌آوری شده است و بر اساس روش پدیدارشناسی تفسیری^۱، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و به تبیین پدیده نابرابری اجتماعی و اقتصادی در استان‌های هدف پرداخته شد. پدیدارشناسی بر پارادایم تفسیری است لذا در این حالت نگاه به پدیده‌ها نگاهی معنای‌محور و موشکافانه است. دنبال کردن این وجه تفسیری، طریقی برای اکتساب آگاهی عمیق، از طریق کشف معانی، اهداف، دیدگاه‌ها و منطق نهفته است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸: ۷۷). در تحقیقات کیفی، هدف محقق کشف معانی درونی رفتارهای اجتماعی افراد و ارایه تفسیر از این رفتارها است.

یکی از نویسندگان این مقاله ساکن در مناطق مرزی (کرمانشاه) بوده و زندگی در این شهر را تجربه کرده، تلاش داشته صدای همشهریان و ساکنین مناطق مرزی باشد و نابرابری را در حوزه اقتصادی و اجتماعی از نگاه مرزنشینان تفسیر و معناکاو نماید. به این اعتبار، تحلیل و تفسیر داده‌ها در بخش کیفی بر اساس اصول تحقیق پدیدارشناسی صورت پذیرفته است.

روش نمونه‌گیری، هدفمند است و ملاک‌های انتخاب نمونه نیز عبارت هستند از: ساکن بودن در استان‌های (ایلام، کردستان، کرمانشاه) و زیستن در مناطق مرزی که علاقه به انجام مصاحبه را داشته باشند و توانایی انتقال معنای مفاهیم مورد واکاوی را داشته باشند. همچنین تلاش بر این بوده نمونه‌های مورد مطالعه از بین افراد تحصیل کرده و دانشگاهی در حوزه‌های مرتبط با موضوع مورد تحقیق باشد که توانایی و اشراف بیشتری در انتقال اطلاعات و تحلیل ذهنی علمی‌تری در این باب دارند. تعداد ۲۰ نمونه مورد مصاحبه قرار گرفتند و محقق به اشباع نظری رسید. هر مصاحبه، به صورت تقریبی ۴۵ دقیقه به طول انجامید و با توجه به شیوع ویروس کرونا در کشور و قرنطینه بودن افراد، مصاحبه‌ها به وسیله تماس تلفنی انجام شد، هر مصاحبه ضبط و جهت تحلیل، تبدیل به متن نوشتاری گردید. واحد نمونه‌گیری در تحقیق حاضر به لحاظ جنس شامل ۱۱ مرد و ۹ زن بوده است. علاوه بر این جمع‌آوری اطلاعات بر اساس روش‌های کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است و از مقالات و مجلات معتبر، اسناد اصل، کتاب تاییپی که به صورت سند مادر شناخته می‌شوند، استفاده شده است. در ارتباط با اعتبار داده‌ها، خود کنشگران بهترین ملاک برای صدق یا کذب استنباط محقق از معنای رفتار آن‌ها هستند. لذا جهت اعتبار و درستی یافته‌های حاصل از مصاحبه، متن مصاحبه

¹ Interpretive phenomenology

هر فرد برای مصاحبه‌شونده ارسال گردید که ایشان میزان درستی و قابلیت اعتبار آن را مورد تأیید قرار دهد.

جدول شماره سه - مشخصات مشارکت‌کنندگان

کد	جنس	سن	تحصیلات	محل سکونت	شغل	وضعیت تأهل	تعداد فرزند
۱	مرد	۴۰	دکتری علوم سیاسی	کرمانشاه	استاد دانشگاه	متاهل	۱
۲	مرد	۴۰	دکتری اقتصاد	کرمانشاه	استاد دانشگاه	متاهل	۲
۳	مرد	۴۶	دکتری معارف	سنندج	استاد دانشگاه	متاهل	۲
۴	زن	۳۸	دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد	سنندج	استاد دانشگاه	متاهل	۱
۵	مرد	۳۲	دکتری جامعه‌شناسی	سنندج	بیکار	مجرد	-
۶	مرد	۴۴	دکتری حسابداری	کنگاور	استاد دانشگاه	متاهل	۲
۷	مرد	۴۵	کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی	ایلام	حراست دانشگاه	متاهل	۲
۸	زن	۴۰	دکتری روانشناسی	ایلام	استاد دانشگاه	متاهل	۱
۹	زن	۴۳	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	کنگاور	دبیر	مجرد	-
۱۰	مرد	۴۱	لیسانس	روانسر	شغل آزاد	متاهل	۲
۱۱	زن	۵۰	دکتری جامعه‌شناسی	ابهر	استاد دانشگاه	متاهل	۱
۱۲	زن	۳۷	کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی	مهران	کارمند دانشگاه	متاهل	۱
۱۳	زن	۴۵	کارشناسی جامعه‌شناسی	کرمانشاه	دبیر	متاهل	۲
۱۴	زن	۳۴	کاردانی بهداشت محیط	روانسر	کارمند بهداشت	متاهل	۲
۱۵	مرد	۳۰	کارشناسی جامعه‌شناسی	کرمانشاه	کارمند	متاهل	-
۱۶	مرد	۳۵	کارشناسی جامعه‌شناسی	کرمانشاه	نظامی	متاهل	۱
۱۷	زن	۳۱	کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی	کنگاور	بیکار	مجرد	-
۱۸	مرد	۳۵	دکتری حقوق	کرمانشاه	استاد دانشگاه	متاهل	-
۱۹	زن	۴۱	کارشناسی جامعه‌شناسی	جوانرود	دبیر	متاهل	۲
۲۰	مرد	۳۷	کارشناسی جامعه‌شناسی	سنندج	کارمند بهزیستی	متاهل	-

یافته‌های تحقیق

با توجه به ماهیت، هدف و روش پژوهش، مصاحبه‌ها در یک بافت معنایی و به صورت محوری در قالب مفاهیم (۳۰۰ مفهوم)، تم‌های فرعی (۷۰ تم) و تم‌های اصلی (۱۲ تم) به تفکیک دو مقوله اصلی نابرابری اقتصادی (۶ تم) و نابرابری اجتماعی (۶ تم) دسته‌بندی شدند. بر همین اساس، تم‌های اصلی و تم‌های فرعی از مفاهیم استخراج شده و به عنوان مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند تا مقوله هسته‌ای پژوهش حاضر را توضیح دهند. در این راستا برای استدلال نظری و تجربی و همچنین برای اعتباربخشی به یافته‌ها، ارجاعاتی به متن مصاحبه‌ها و نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان تحقیق شده است.

شش تم اصلی جهت بیان تجارب زیسته مردمان مناطق مرزی، پیرامون پیامدهای نابرابری اجتماعی و چگونگی واکاوی نظام معنایی این تجارب استخراج شد که به شیوه معنایی تجربیات مشارکت‌کنندگان پرداخته است. بر این اساس، تم‌های اصلی به همراه تم‌های فرعی منتج از آن در جدول ۴ آمده است.

جدول شماره چهار- پیامدهای اقتصادی، تم‌های فرعی و تم‌های اصلی مرتبط با مقوله هسته‌ای

نقل قول‌های مصاحبه شونده‌گان	تم‌های فرعی	تم اصلی	مقوله هسته‌ای
نابرابری اقتصادی که به آن شکاف در ثروت می‌گوییم به دنبال خود شکاف تم‌های اصلی مرتبط با مقوله هسته‌ای مستخرج از نقل عاطفی را به دنبال دارد در «مقاله‌ای از آقای دکتر ملکیان خواندم که شکاف در جامعه ما شکاف طبقاتی و ثروت که باعث شکاف عاطفی شده است».	۱- شکاف عاطفی در جامعه ۲- شکاف طبقاتی در جامعه ۳- بروز ناهنجاری اجتماعی ناشی از نابرابری درآمدی ۴- سطح درآمد ناکافی افراد جامعه ۵- احساس خشم و کینه نسبت به طبقات مرفه جامعه ۶- کمبود درآمد در رفع نیازهای اولیه زندگی ۷- افزایش طبقات محروم در جامعه	۱- فرصت‌های نابرابر اقتصادی	پیامدهای نابرابری اقتصادی

افراد طبقه پایین دیدگاه منفی نسبت به افراد طبقه بالاتر پیدا می‌کنند و دیدگاه منفی‌شان را در قالب حسد و بغض و کینه‌ورزی به طبقات درآمدی بالاتر نشان می‌دهند. همین کینه‌ورزی و حسد طبقات در واقع باعث بروز انواع ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی می‌شود. فرصت‌های نابرابر می‌تواند در واقع اثر نامطلوبی در تمام جنبه‌های زندگی داشته باشد. بیشتر درآمد خانوارهای ایرانی برای اجاره مسکن و تهیه مواد خوراکی صرف می‌شود.

در عرصه اقتصادی، سیاست‌گذاری اشتباه، در واقع رویکرد تمرکزگرا، شاخص‌های اقتصادی مثل تورم یا رکورد تورمی، باعث شده فقیران فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر شوند. چند عامل باعث نابرابری اجتماعی در غرب کشور است، ۱-سیاست‌گذاری اشتباه ۲- برنامه‌ریزی تمرکزگرا ۳- نادیده گرفتن برخی اقشار توسط برنامه‌ریزی به علت‌های (وسعت کشور، جمعیت زیاد، تبعیض) است.	۸-سیاست‌گذاری اشتباه در برنامه‌ریزی اقتصادی ۹-سیاست‌گذاری اقتصادی تمرکزگرا ۱۰-دو قطبی شدن اقتصادی جامعه ۱۱-عدم توجه به همه اقشار جامعه ۱۲-افزایش جمعیت عامل فقر ۱۳-عدم تناسب اعطای امکانات و منابع به نسبت وسعت مناطق شهری	۲-ناکارآمدی برنامه‌های توسعه و افزایش تورم و فقر
در غرب کشور (استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام) چند نوع نابرابری هست: ۱- تبعیضی که از لحاظ فرهنگی به مردم این بخش شده که باعث شده که مردم از برخی امکانات فرهنگی و تفریحی و.. محروم باشند. ۲-تمرکز نابرابری روی مسائل رفاهی و اقتصادی ۳- نابرابری توسعه‌ای و جغرافیایی در بُعد توسعه‌ای: ایران کشوری بزرگ و با انواع اقلیم‌های کویری، بیابانی، جنگلی، خشک، معتدل و کوهستانی که غرب کشور، همه این اقلیم‌ها را دارد، به نحوی جنگل‌های بلوطی که در لرستان، ایلام و کرمانشاه و کردستان در این استان‌ها از لحاظ جغرافیایی دیده شده است، اما آیا از معادن و منابع و رودخانه‌هایی که در این استان‌ها جریان دارد و ظرفیت‌های توریستی توسط سیاست‌گذار برایش برنامه‌ای دیده شده با بررسی این سه استان به جوابی به غیر از نه مطلق نمی‌رسیم طبعاً برنامه‌ریزی صورت گرفته اما به دلیل	۱۴-محرومیت فرهنگی استان‌های غرب کشور ۱۵-وجود تبعیض برخورداری از امکانات رفاهی و اقتصادی ۱۶-وجود سیاست‌گذاری-های اقتصادی ناکارآمد دولت ۱۷-ناکارآمدی دولت در بهره‌برداری از منابع طبیعی ۱۸-عدم استفاده از ظرفیت-های محیط زیستی جهت سرمایه‌گذاری در گردشگری ۱۹-وجود سیاست‌گذاری‌های تمرکزگرایانه ۲۰-ناعادلان بودن اجرای برنامه‌های توسعه در استان-های کشور ۲۱-عدم به‌سازی و توسعه راه‌های کشور	۳-کاهش بهره‌مندی از ظرفیت‌های زیست محیطی و توریستی

		تمرکزگرایی اثر خود را در این مناطق نگذاشته است. برنامه‌های توسعه‌ای به راستی در زیر ساخت‌ها در کشور و استان‌ها ناعادلانه تقسیم شده وضع راه‌های زمینی، هوایی و راه آهن را می‌بینیم در کرمانشاه راه‌آهن تازه وصل شده ایلام و کردستان هم ازجاده‌های خوبی برخوردار نیستند.
۴-افزایش فساد، رباخواری و رانت‌جویی	۲۲-کاهش ارزش پول ملی ۲۳-افزایش افسارگسیخته تورم ۲۴-فلج شدن چرخه تولید کشور ۲۵-نیاز مالی عامل هنجار شکنی ۲۶-افزایش فقر ۲۷-افزایش مشاغل کاذب (کوله‌بری و شوتی سوارها) ۲۸-فقر، عامل دین‌زدگی ۲۹-رواج قاچاق و فساد در کشور ۳۰-فقدان توانایی کافی دولت درکنترل فساد	یکی از عوامل افزایش فقر در جامعه کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت طلا و سکه باعث افزایش تقاضا برای طلاق از طرف زن‌ها شد. باعث شد خیلی از مردم تحت حمایت سازمان‌های حمایتی قرار گیرند «فقر که از در بیاید دین از پنجره بیرون می‌رود». رباخواری و رانت‌جویی در بازارهایی که تولیدمحور نیست. شاهد افزایش جوانان شوتی هستیم (جوانانی که اجناس آرایشی، لوازم خانگی، پارچه، موبایل ...) از شهرهای مرزی می‌آورند و با ماشین‌های شخصی با سرعت بالا به تهران منتقل می‌کنند، که همان قاچاق کالا است. مشکل اصلی نظام، عدم تصمیم‌گیری درست در مورد فعالیت‌های سوداگری است که باعث ناهنجاری‌های اجتماعی است.
۵-افزایش خشونت در جامعه	۳۱-از بین رفتن عدالت اجتماعی ۳۲-افزایش احساس نابرابری عامل بروز خشونت در جامعه	تورم جامعه، عدالت اجتماعی را منهدم می‌کند و باعث خشونت در جامعه می‌شود. بعد از کاهش یارانه‌ها مثلاً در آبان ۹۷ با کاهش یارانه بنزین، جامعه به سمت خشونت کشیده شد.
۶-سیاست‌های غیر اصولی مالی دولت	۳۳-کاهش مشارکت اجتماعی ۳۴-رشد اقتصادی نامطلوب ۳۵-کاهش خط فقر در جامعه	نابرابری اقتصادی، منجر به کاهش مشارکت اجتماعی افراد در سطح جامعه شده و یا میزان شادکامی افراد و جامعه را پایین آورده. دو عامل در کاهش فقر نقش دارند: عامل اول مقدار نرخ رشد اقتصادی است. هر چه نرخ

۳۶-وجود سیاست‌گذاری- های اقتصادی ناکارآمد دولتی	رشد اقتصادی بیشتر باشد، کاهش فقر بیشتر را موجب می‌شود که شواهد می‌گوید این- چنین نیست، عامل دوم، اما تغییر در میزان نابرابری است عموماً رشد اقتصادی با تغییر در نابرابری همراه است. مردم روز به روز، به زیرخط فقر کشیده می‌شوند که این فقر، بیشتر حاصل سیاست‌های مالی و اقتصادی اشتباه دولت است و روی سلامت جسمی و روانی افراد پیامدهای منفی زیادی دارد.
۳۷-نرخ رشد پایین اقتصادی	
۳۸-افزایش نابرابری اقتصادی	

پیامدهای نابرابری اقتصادی در استان‌ها غرب کشور

۱. فرصت‌های نابرابر اقتصادی

تم فرصت‌های نابرابر اقتصادی، از جمله مهم‌ترین تمی است که از داده‌ها استخراج شده است. پاسخگویان با تأکید به وجود شکاف طبقاتی در جامعه، اذعان داشتند که سطح درآمد ناکافی وعدم توانایی در رفع نیازهای اولیه‌ی زندگی، علت اصلی شکاف طبقاتی در جامعه است و این مهم، باعث ایجاد احساس خشم و کینه‌ی مردمان مناطق مرزی، نسبت به طبقات مرفه جامعه شده است که با افزایش طبقه‌ی محروم، موجی از خشونت و اعتراض را به همراه خواهد داشت.

در این خصوص، مصاحبه‌شونده‌ی کد ۲ چنین بیان می‌دارد که: «نابرابری اقتصادی منجر به کاهش مشارکت اجتماعی در سطح جامعه می‌شود. دو عامل در کاهش فقر نقش دارند: عامل اول مقدار نرخ رشد اقتصادی است، هر چه نرخ رشد اقتصادی بیشتر باشد، کاهش فقر بیشتر را موجب می‌شود، عامل دوم، تغییر در میزان نابرابری است، عموماً رشد اقتصادی با تغییر در نابرابری همراه است. مردم روزبه‌روز به زیرخط فقر کشیده می‌شوند که این فقر بیشتر حاصل سیاست‌های مالی و اقتصادی دولت است و روی سلامت جسمی و روانی افراد پیامدهای منفی زیادی دارد».

وجود فرصت‌های نابرابر اقتصادی در مناطق مرزی ضریب جینی، نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد در جامعه به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد، کاملاً ناعادلانه است. استان‌های هدف پژوهش (کردستان، کرمانشاه و ایلام) ضریب جینی بالاتری در مناطق شهری دارند که نشان‌دهنده‌ی میزان بالاتر نابرابری درآمدی است. در مناطق روستایی، تقریباً برابرند و اختلاف چندانی مشاهده نشد. در کل کشور، ضریب جینی از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۹ تغییر محسوسی نداشته است از ۰/۳۹۷۷ به ۰/۳۵۹۰ در سال ۱۳۹۹ رسیده است. در نتیجه، درآمد خانوارها بر اساس این-شاخص تغییر نکرده، بلکه همچنان ثابت است (گزارش توزیع درآمد سال ۱۳۹۹ مرکز آمار ایران ص ۲۵).

نرخ تورم در کشور از سال ۱۳۹۶ سیر صعودی را طی کرده است. در کل کشور، در سال ۱۳۹۶ نرخ تورم ۸/۲ بوده است. در اسفند ۱۴۰۰ نرخ تورم به ۴۰/۲ رسیده است. نرخ تورم استان ایلام در اسفند ۱۴۰۰ رسیده به ۶۷/۷ درصد رسیده است. بقیه استان‌ها هم، وضعیت مشابهی دارند. این تورم بالا، خانوارها را مجبور به انتخاب و اولویت‌بندی نیازها و کالاها و خدمات می‌کند. در سال‌های اخیر، سفره خانوارهای با یک منبع درآمد، به شدت کوچک شده، مخصوصاً خانوارهای تحت حمایت کمیته امداد و بهزیستی و مستمری بگیران تأمین اجتماعی. نرخ تورم بر کیفیت زندگی افراد و دسترسی به خدمات آموزشی برای دانش‌آموزان و دانشجویان نیز تأثیرگذار بوده است (کروگمن، ۱۹۹۷: ۴۵؛ کیم^۱، ۲۰۰۸: ۴۳ و روزبهان، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

۲- ناکارآمدی برنامه‌های توسعه و افزایش تورم و فقر

از دیگر تم‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، افزایش تورم و ایجاد فقر گسترده ناشی از ناکارآمدی برنامه‌های توسعه در کشور است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر، بر این باور بودند که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی تمرکزگرا هر چند مشکلات و مسائل بی‌شمار اقتصادی در کل کشور به وجود آورده، اما شهرها و مناطق مرزی، سهم بیشتری از این نابرابری را به خود اختصاص داده‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد مصاحبه‌شوندگان در مقام مقایسه با دیگر شهرهای کشور اذعان داشتند با توجه به افزایش جمعیت، برنامه‌های اقتصادی دولت جواب‌گوی نیازهای اقشار مختلف جمعیت نبوده و این عدم تناسب در اعطای امکانات و منابع به نسبت وسعت مناطق شهری مرزی، پیامدهایی چون دو قطبی شدن جامعه و افزایش فقر را حادث شده است.

مصاحبه‌شونده کد ۳ در این راستا می‌گوید: «غالب متفکران، دانشمندان و سیاست‌گذاران،

پدیده نابرابری اجتماعی را توی بحث اقتصاد بیشتر می‌بینند. در عرصه اقتصادی،

سیاست‌گذاری اشتباه در واقع رویکرد تمرکزگرا شاخص‌های اقتصادی مثل تورم یا

رکورد تورمی باعث شده فقیران فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر شوند»

۳- کاهش بهره‌مندی از ظرفیت‌های زیست محیطی و توریستی (احساس بی‌بهرگی از منابع ملی) پاسخگویان در پژوهش حاضر، مکرر به ظرفیت‌های وسیع زیست‌محیطی کشور و به‌خصوص شهرهایی چون کرمانشاه، ایلام و کردستان داشتند. در واقع مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که بهره‌مندی از شرایط اقلیمی، منابع طبیعی، قدمت تاریخی این شهرها ظرفیت این را دارد که به‌واسطه

^۱ -Kim

توسعه‌ی صنعت توریست و گردشگری در این شهرها، مردمان شاهد رونق اقتصادی و فرهنگی باشند. اما کماکان عدم بهره‌مندی و فقدان زیرساخت‌های مناسب جهت استفاده از این مهم، احساس بی-بهرگی از منابع ملی و میهنی را در بین مردمان این شهرها ایجاد کرده است. به لحاظ عینی، اکثر پاسخگویان بر تفاوت‌های موجود در بین شهرهای مرزی و پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ، تحت تأثیر سیاست‌های تمرکزگرا تأکید داشتند. آنان این تبعیض را ناشی از ناعادلانه بودن اجرای برنامه‌های توسعه در استان‌های کشور می‌دانستند و حتی عنوان داشتند که شهرهای مرزی، از ابتدایی‌ترین امکانات همچون به‌سازی راه‌ها و توسعه‌ی جاده‌ای که می‌تواند از جمله زمینه‌های توسعه‌ی فرهنگی و گردشگری این مناطق به شمار آید، محروم مانده‌اند.

مشارکت‌کننده‌ی کد ۳ در این باب بیان می‌دارد: «ایران، کشوری بزرگ و با انواع اقلیم-های کویری، بیابانی، جنگلی، خشک، معتدل و کوهستانی که غرب کشور همه‌ی این اقلیم‌ها را دارد، به‌نحوی جنگل‌های بلوطی که در لرستان، ایلام و کرمانشاه و کردستان از لحاظ جغرافیایی دیده شده است اما آیا از معادن و منابع و رودخانه‌هایی که در این استان‌ها جریان دارد و ظرفیت‌های توریستی توسط سیاست‌گذار برایش برنامه‌ای دیده شده با بررسی این سه استان به جوابی به غیر از نه مطلق نمی‌رسیم. طبعاً برنامه-ریزی صورت گرفته اما به دلیل تمرکزگرایی، اثر خود را در این مناطق نگذاشته است. استان‌های غربی با کشور عراق و ترکیه مرز مشترک دارند که این ظرفیت بزرگی است که از بازارهای مرزی برای مردم اشتغال‌زایی کنند. یک علت آن جنگ ۸ ساله است زیرساخت‌ها بعد از گذشت ۳۰ سال که از جنگ گذشته، بازسازی مطلوب نشده‌اند مرزها در این مناطق تنش‌زا هستند و ممکن است دو دولت روابط خوبی هم با هم داشته باشند».

۴-افزایش فساد، رباخواری و رانت‌جویی

پاسخگویان در این تحقیق، احساس می‌کنند نابرابری اقتصادی تبعاتی چون افزایش فساد، رباخواری و رانت‌جویی را به همراه داشته است. از نظر آنان، کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم و در ادامه فلج شدن چرخه‌ی تولید در کشور، بیکاری و فقر را گسترش داده و این مهم در مناطق مرزی، باعث گرایش مردمان مناطق مرزی به مشاغل کاذبی چون کوله‌بری و شوتی‌سوارها شده است. مردمان زیر فشارهای اقتصادی و تشدید نابرابری، دین‌زدگی را تجربه می‌کنند. بر این اساس، انجام رفتارهای هنجارشکنانه، قاچاق، رباخواری و رانت‌جویی در جامعه، عادی انگاری شده و مسائل اجتماعی متعددی را ایجاد می‌کند. در این میان، اما فقدان توانایی دولت در کنترل فساد نیز مزید بر علت است.

مصاحبه‌شونده کد ۲ اذعان داشت: «ریاخواری و رانت‌جویی در بازارهایی که تولیدمحور نیست، باعث می‌شود شاهد افزایش جوانان شوتی باشیم (جوانانی که اجناس آرایشی، لوازم خانگی، پارچه، موبایل...) از شهرهای مرزی می‌آورند و با ماشین‌های شخصی با سرعت بالا به تهران منتقل می‌کنند، که همان قاچاق کالا است. به نظر من، مشکل اصلی نظام، عدم تصمیم‌گیری درست در مورد فعالیت‌های سوداگری است. تورم باعث ناهنجاری‌های اجتماعی است که واقعاً نمی‌تواند فساد سیستمی در کشور را کنترل کند».

۵- افزایش خشونت در جامعه (تحت تأثیر احساس نابرابری اقتصادی)

بیشتر پاسخگویان به شکل ذهنی و عینی، به نابرابری اقتصادی اذعان داشتند و بر این باور بودند که تورم و اقتصاد فلج شده در کشور، عدالت اجتماعی را نابود ساخته و این مهم، احساس تبعیض و نابرابری واقع شدن را در بین مردمان، بالاخص مناطق مرزی افزایش داده که به گفته آنان این امر باعث گسترش خشونت رفتاری و کلامی در تعاملات اجتماعی و اقتصادی مردمان شده است. مصاحبه‌شونده کد ۱۴ در این باب اظهار داشت: «نابرابری اجتماعی یکی از معضلات پیچیده و چند بعدی است که در نتیجه فقر و نابرابری اقتصادی و شکاف طبقاتی ناشی از آن در جوامع به وجود می‌آید. اثرات نابرابری اجتماعی بر جامعه، کاهش مشارکت اجتماعی، رواج خشونت و عدم امنیت اجتماعی نمونه بارز آن اغتشاش‌های آبان ۹۸ در کرمانشاه که حتی قبل از تهران شروع شد بر اثر گران شدن بنزین، از بین رفتن همدلی و روابط اجتماعی از جمله اثرات نابرابری اجتماعی است که سبب نارضایتی‌ها و اعتراضات عمومی می‌شود. افزایش نابرابری با افزایش مشکلات اجتماعی و سلامت ارتباط مستقیم دارد».

۶- سیاست‌های غیراصولی مالی دولت

در مجموع، تمامی پاسخگویان ضمن اذعان به وجود نابرابری اقتصادی در مناطق و شهرهای مرزین، با تأکید بر سیاست‌های غیراصولی مالی دولت، بر این باور بودند که با ادامه روند کنونی و اجرای برنامه‌های خرد و کلان اقتصادی دولت، عواقب نامطلوبی چون کاهش خط فقر در جامعه، تورم، رشد ناموزون و نامطلوب اقتصادی و به تبع آن، کاهش مشارکت و سرمایه اجتماعی و افزایش روزافزون نابرابری را شاهد خواهیم بود.

در این راستا، مصاحبه‌شونده کد ۶ می‌گوید: «در عرصه اقتصادی، سیاست‌گذاری اشتباه و رویکرد تمرکزگرا شاخص‌های اقتصادی مثل تورم و رکورد تورمی می‌شود که باعث شده، فقیران فقیرتر و ثروتمندان، ثروتمندتر شوند».

جدول شماره پنج- پیامدهای اجتماعی، تم‌های فرعی و تم‌های اصلی مرتبط با مقوله هسته‌ای

مستخرج از نقل قول‌ها

نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان	تم‌های فرعی	تم اصلی	مقوله هسته‌ای
اتفاق حاصل از تبعیض کنونی، همان عدم برنامه‌ریزی که باعث شده سطح آگاهی و مشارکت مردم پایین بیاید، بیکاری و اشتغال کم می‌شود تنش‌های درون قومی، جهل و خرافه بالا برود.	۳۹- ایجاد تبعیض ۴۰- عدم برنامه‌ریزی اصولی دولتی ۴۱- کاهش مشارکت مردمی ۴۲- افزایش بیکاری عامل تنش‌ها و جهل و خرافه ۴۳- ایجاد تنش‌های درون قومی	۷-افزایش جهل و خرافه و تنش‌های درون قومی	پیامدهای نابرابری اجتماعی
این شرایطی که در کشور حاکم هست، خروجی جز، افزایش خودکشی، روی‌آوری به اعتیاد، آسیب‌ها و انحرافات مثل پایین‌آمدن امنیت که نتیجه توسعه نامتوازن در این مناطق است ندارد. مردم از این آسیب‌ها و رویکردها و ارزش‌های اجتماعی دچار استحاله می‌شوند، طبعاً هویت‌شان را چندان ارج نمی‌نهند و ممکن است به خودشان و کشور آسیب‌هایی وارد کنند.	۴۴- بروز خودکشی، اعتیاد، آسیب‌های اجتماعی در جامعه ۴۵- کاهش امنیت و احساس امنیت اجتماعی ۴۶- توسعه نامتوازن در استان‌های غرب کشور ۴۷- اختلال هویتی در بین افراد جامعه	۸-تغییر و نزول در ارزش‌های اجتماعی	
پیامدهای دیگه می‌توان به نابرابری، فقر، دزدی، جنایت‌های دیگر قتل، افسردگی و اضطراب اشاره کرد. کودکان کار، ناشی از درآمدهای پایین خانواده‌ها است که بچه‌ها هم برای حداقلی از رفاه، مجبور به کار برای زنده ماندن می‌کنند.	۴۸- افزایش فقر ۴۹- ازدیاد جرائم ۵۰- مشکلات مالی خانواده‌ها ۵۱- رفع نیازهای حداقلی عامل گرایش به کار کودکان	۹-افزایش آسیب‌ها، مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی	
زن‌ها آسیب‌پذیرترین قشر توی جوامع امروزی هستند. حتی در جوامع پیشرفته هم به آنها «فقرا» جدید می‌گویند. خشونت‌های زیاد به زن‌ها می‌شود، حتی سوءاستفاده‌های جنسی که برای حفظ کار و شغل‌شان است و سطح پایین درآمدشان همه اینها ناشی از تفاوت‌های اجتماعی که وجود دارد.	۵۲-خشونت علیه زنان ۵۳-زنان فقرای جدید در دنیای مدرن ۵۴-سوءاستفاده جنسی زنان در محیط‌های کاری		

		۵۵- نابرابری اجتماعی، عامل بیماری‌های روحی و جسمی ۵۶- کاهش کیفیت زندگی ۵۷- افزایش احساس نابرابری اجتماعی و اقتصادی در جامعه ۵۸- افزایش بزهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی	رابطه تنگاتنگی بین نابرابری اجتماعی، تورم و افزایش بیماری‌های روحی و روانی و افسردگی وجود دارد. در میان طبقه متوسط و فقیر جامعه، رشد روز افزون تورم و کاهش کیفیت زندگی این گروه‌ها و نگاه مقایسه‌ای که به طبقه ثروتمند دارند. حس سرخوردگی را در جوانان و نوجوان‌ها و حتی کودکان بر می‌انگیزد، این احساس سرخوردگی به مرور، منجر به اضطراب و افسردگی و گاهی به خودکشی می‌انجامد و در برخی دیگر، منجر به بزهکاری و افزایش بی-تفاوتی اجتماعی می‌شود
		۵۹- تبعیض در دسترسی به ابزار مادی زندگی	اساسی‌ترین نوع نابرابری تفاوت در میزان دسترسی مردم به «ابزار مادی زندگی» است.
	۱۰- افزایش کنش‌های عدالت خواهانه	۶۰- سیاست غلط اقتصادی	شعارهای عدالت‌خواهانه در ایران در صورتی‌که با افزایش تورم ناشی از سیاست‌های غلط - اقتصادی همراه باشد، از پایه، بی‌محتوا خواهند بود.
	۱۱- نارضایتی، نقض قوانین و کاهش سرمایه‌های انسانی	۶۱- دسترسی افراد محدود به امکانات و منابع اقتصادی و اجتماعی ۶۲- کاهش ارتباطات و سرمایه اجتماعی	نابرابری اجتماعی، به‌صورتی‌است که افراد یک جامعه از موقعیت‌های برابر در دستیابی به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی برخوردار نیستند، گروه خاصی، راه کوتاهی برای رسیدن به پیشرفت دارند. اما برخی، برای رسیدن به همان هدف، بایستی راه دور و درازی را طی کنند. افزایش نابرابری اجتماعی در یک جامعه، تأثیرات نامطلوبی بر ارتباطات و سرمایه‌های اجتماعی برجای می‌گذارد.
		۶۳- افزایش نارضایتی عمومی ۶۴- مطالبه‌گری مردمی در جهت تغییر شرایط اجتماعی ۶۵- افزایش فساد و نقض قانون در جامعه	ازجمله افزایش نارضایتی عمومی، از نخستین نشانه‌های نابرابری اجتماعی به‌شمار می‌آید. افراد از جایگاه خود ناراضی بوده و تغییر وضع را خواستار هستند. به هر قیمتی حاضر به تغییر شرایط می‌شوند. خواه این فرصت از طریق رانت و قانون‌شکنی به دست آید خواه در سیر طبیعی و با تلاش و ارتقای سطح دانش فرد.

	۱۲- کاهش کیفیت زندگی و اعتماد اجتماعی بواسطه فقدان شغل مناسب	۶۶- کاهش کیفیت زندگی افراد در جامعه ۶۷- کمبود شغل مناسب برای جوانان تحصیل کرده و ماهر ۶۸- کاهش مسئولیت‌پذیری شهروندان ۶۹- کاهش اعتماد اجتماعی ۷۰- کاهش نرخ ازدواج در جامعه	نابرابری اجتماعی در ازدواج و کیفیت زندگی افراد خیلی تأثیر داشته مثلاً امروزه جوانی که می‌بیند تحصیلات دارد، اما شغلی برایش فراهم نیست استخدام نمی‌شود، مسئولیت‌پذیری‌اش پایین می‌آید بنابراین قید ازدواج را می‌زنند. دخترها هم می‌گویند با کسی ازدواج می‌کنم که تعهد اخلاقی داشته باشد. امروزه حتی اعتماد بین افراد کم شده که ناشی از این نابرابری اجتماعی است.
--	--	--	---

پیامدهای نابرابری اجتماعی در استان‌های غرب کشور

۱- افزایش جهل و خرافه و تنش‌های درون قومی

از ویژگی‌های هر جامعه انسانی، تغییر در بخش‌های گوناگون، تحت تأثیر عوامل اجتماعی است. تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق و استان‌های مرز نشین کشور، بواسطه عوامل برون-مرزی و درون‌مرزی، اغلب بیشتر از دیگر استان‌های کشور، مشهود است. مشارکت‌کنندگان تحقیق، براین عقیده بودند که وجود نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی توأمان، باعث تغییر در شیوه نگرش، رفتار و کنش‌های اجتماعی ساکنین این مناطق می‌گردد. چنانکه عدم برنامه‌ریزی اصولی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، بیکاری، فقر و فقدان آگاهی‌بخشی و آموزش‌های فرهنگی، زمینه را برای ایجاد تنش‌های درون قومی، جهل و خرافه هموار کرده و در چنین شرایطی، با گسترش تبعیض و نابرابری در سطوح خرد و کلان، شاهد افت فرهنگی و اجتماعی در این استان‌ها هستیم.

در این راستا مشارکت‌کننده کد ۷ می‌گوید: «پیامدهای نابرابری اجتماعی حاصل تبعیض و عدم برنامه‌ریزی باعث می‌شود سطح آگاهی و مشارکت مردم پایین بیاید، بیکاری و اشتغال کم می‌شود تنش‌های درون قومی، جهل و خرافه بالا رود نرخ پایین ازدواج و کاهش نرخ رشد جمعیت، افزایش خودکشی، روی‌آوری به اعتیاد، آسیب‌ها و انحرافات مثل پایین آمدن امنیت که نتیجه توسعه نامتوازن در این مناطق است مردم از این آسیب‌ها و رویکردها و ارزش‌های اجتماعی، دچار استحاله می‌شوند طبعاً هویتشان را چندان ارج نمی‌نهند و ممکن است به خودشان و کشور آسیب‌هایی وارد کنند».

۲- تغییر و نزول در ارزش‌های اجتماعی

در کنار تم‌های گزارش شده از سوی مشارکت‌کنندگان، آنان به یک‌سری عوامل زمینه‌ای پیرامون پیامدهای نابرابری اجتماعی اشاره داشتند. آنان ضمن تأکید فراوان به تغییر در ارزش‌های اجتماعی

و نزول آن‌ها، معتقد بودند که تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی، باعث کاهش امنیت اجتماعی همچنین احساس امنیت اجتماعی می‌شوند که به نظرمی‌رسد دو بعد مجزا از امنیت به شمار می‌آید، چنانکه به گفته مشارکت کنندگان هرچند در حال حاضر کمتر شاهد تجاوزهای مرزی به معنای عینی آن هستیم اما در استان‌های مذکور، مردمان از سطح مطلوبی از احساس امنیت اجتماعی از بعد ذهنی برخوردار نیستند که همین امر عواقبی چون اختلال در هویت افراد، مشکلات و بیماری‌های روحی و جسمی را همواره داشته و شرایط پیشرفت و توسعه متوازن و اصولی را در این استان‌ها ناهموار می‌کند.

بر این اساس، مشارکت‌کننده کد ۹ اشاره می‌کند: «امنیت اجتماعی و احساس امنیت نداریم، می‌دانیم که امنیت اجتماعی نتیجه توسعه نامتوازن در این مناطق بوده و رابطه دوسویه دارد. مردم از این آسیب‌ها و رویکردها و ارزش‌های اجتماعی دچار استحاله می‌شوند طبعاً هویت‌شان را بی‌اثر دانسته و احساس حقارت می‌کنند و ممکن است به خودشان و کشور آسیب‌هایی وارد کنند».

۳- افزایش آسیب‌ها، مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی

پاسخگویان در اکثر موارد به افزایش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از نابرابری اجتماعی اذعان داشتند و بر این باور بودند که مشکلات بی‌شمار اقتصادی باعث تغییرات وسیعی در شیوه امرار معاش و رفع نیازهای خانواده‌ها در استان‌های مرزی شده است و در چنین شرایطی زنان و کودکان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر بوده که مورد فشار مضاعف و انواع آسیب‌های اجتماعی هستند.

مشارکت‌کننده کد ۱۶ چنین بیان می‌کند که: «از پیامدهای دیگر نابرابری می‌توان به فقر، دزدی، جنایت‌های دیگر قتل، افسردگی و اضطراب اشاره کرد. و کودکان کار، ناشی از درآمدهای پایین خانواده‌ها است که بچه‌ها هم برای حداقلی از رفاه مجبور به کار برای زنده ماندن می‌کنند. همین‌طور زن‌ها آسیب‌پذیرترین قشر در جوامع امروزی هستند حتی در جوامع پیشرفته هم به آنها «فقرای جدید» می‌گویند»

۴. افزایش کنش‌های عدالت‌خواهانه

در استان‌های مرزی، طبقه عامه مردم نابرابری را هم به شکل عینی و هم به شکل ذهنی تجربه می‌کنند و از وضعیت زندگی‌شان رضایت کافی ندارند. با توجه به عدم توسعه‌یافتگی این مناطق که داده‌های آماری نیز گویای این مهم است، به نظر می‌رسد مردمان این سرزمین از جمله راهکارهای سازگاری با شرایط موجود را فعالیت و کنش‌های عدالت‌خواهانه در نظر بگیرند. هرچند مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که این‌گونه کنشگری‌ها با توجه به عدم رسیدگی و توجه مسئولین

چنانچه باید نتیجه‌ی مطلوب و مؤثری نداشته، از این‌رو اعتراضاتی که گه‌گاه گروه‌ها و اقشار مختلف به شرایط موجود دارند، اکثراً بی‌نتیجه می‌ماند.

یکی دیگر از پاسخگویان با کد ۱۸ اینگونه توضیح می‌دهد: «هر چند مردم ما با غیرت و تعصب مطالبات و خواسته‌هایشان را در ادوار گذشته و حتی اکنون پیگیری می‌کنند اما به نظر من نتیجه‌ای که می‌خواهیم هرگز نگرفتیم. در کل این نابرابری باعث مطالبه‌گری طبقات متوسط و فقیر می‌شود در نتیجه خواستار تغییر در سیاست‌ها می‌شوند»

۵-افزایش نارضایتی، نقض قوانین و کاهش سرمایه‌های انسانی

پاسخگویان در این پژوهش در اکثریت موارد، به وجود تبعیض و نابرابری اجتماعی اذعان داشته و آن را رو به افزایش می‌دانستند که چالش‌ها و معضلات بی‌شماری را به همراه دارد. آنان امیدی به بهبود وضعیت با سیاست‌گذاری‌های دولتی کنونی ندارند و به‌طور پیوسته احساس نارضایتی و ناامیدی ناشی از این مهم را تجربه می‌کنند که این مهم تأثیر نامطلوبی بر ارتباطات فعال افراد در جامعه و سرمایه‌های اجتماعی دارد.

مشارکت‌کننده‌ی کد ۱۵ چنین بیان می‌دارد که: «افزایش نارضایتی عمومی از نخستین نشانه‌های نابرابری اجتماعی به شمار می‌آید. افراد از جایگاه خود ناراضی بوده و تغییر وضع را خواستار هستند به هر قیمتی حاضر به تغییر شرایط می‌شوند. خواه این فرصت از طریق رانت و قانون شکنی به دست آید خواه در سیر طبیعی و با تلاش و ارتقای سطح دانش فرد، برخی برای رسیدن به اهداف بایستی راه دور و درازی را طی کنند. افزایش نابرابری اجتماعی در یک جامعه تأثیرات نامطلوبی بر ارتباطات و سرمایه‌های اجتماعی بر جای می‌گذارد».

۶-کاهش کیفیت زندگی و اعتماد اجتماعی (بواسطه‌ی فقدان شغل مناسب)

پاسخگویان اظهار داشتند مردمان ساکن در استان‌های غرب کشور عمدتاً با کمبود شغل مناسب برای اقشار مختلف جامعه به‌ویژه قشر جوانان روبه‌رو هستند و یا عدم تناسب درآمد با هزینه‌های زندگی حتی برای شاغلین، کاهش کیفیت زندگی را حادث شده است. از سویی دیگر این مهم، پیامد کاهش نرخ ازدواج و اعتماد اجتماعی را در بین مردمان استان‌های غرب کشور به همراه داشته است.

مشارکت‌کننده‌ی کد ۴ در این باب اشاره دارد: «افزایش تورم باعث بالا رفتن هزینه‌ها و کاهش کیفیت زندگی در خانواده‌ها می‌گردد افراد جامعه که درآمد متوسط و پایینی دارند به خوبی نمی‌توانند از خدمات بهداشتی و درمانی و حتی تغذیه‌ی سالم استفاده

نمایند. در نتیجه باعث مزمن شدن انواع بیماری‌ها و به خطر افتادن سلامت جسمی و روانی آنان می‌گردد و امید به زندگی کاهش پیدا می‌کند و جامعه پویایی و نشاط خود را از دست می‌دهد، به این دلیل حتی اعتماد بین افراد در جامعه هم کاهش پیدا کرده و می‌کند»

بحث و نتیجه‌گیری

تم‌هایی که از تجربه زیسته نابرابری اجتماعی-اقتصادی در بین مردمان ساکن استان‌های غرب کشور استخراج شده‌اند، حاکی از وجود تبعیض و نابرابری اجتماعی و اقتصادی در این استان‌هاست. تجربه زندگی مشارکت‌کنندگان در استان‌های غربی کشور با مشکلات، مسائل، نگرانی‌ها و دغدغه‌های بی‌شماری همراه است که آنان را از ساکنان دیگر استان‌ها متمایز می‌کند. در استان‌های غرب کشور از کل خانوارهای ساکن در هر استان، استان کرمانشاه ۱۹/۹۴ درصد، استان کردستان ۱۸/۹۶ درصد و استان ایلام ۲۹/۹۴ درصد خانوارها، خدمات حمایتی از کمیته امداد و سازمان بهزیستی دریافت می‌کنند. همان‌گونه که مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند، فقر و تورم در این استان‌ها زیاد است. در استان ایلام در سال ۱۴۰۰، نرخ تورم، ۴۶ درصد بوده است، دیگر استان‌ها هم به همین روال است. همچنین بیکاری، قرنطینه به خاطر کرونا و از دست دادن شغل و سرمایه، منجر به افزایش بیماری‌های روانی، اضطراب و افسردگی شده و حتی خودکشی، سرقت، قتل، اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی فزونی یافته که به‌زعم برخی از مصاحبه‌شوندگان، حمایت عاطفی و مالی خانواده‌ها، نیازمند توجه دولت و نهادهای خیریه است. نرخ بالای تورم مردمان را مجبور به انتخاب و الویت‌بندی نیازها و کالاها و خدمات کرده است. در سال‌های اخیر، سفره خانوارهای با یک منبع درآمد، به‌شدت کوچک شده، به‌ویژه خانوارهای تحت حمایت کمیته امداد و بهزیستی، مستمری-بگیران تأمین اجتماعی، این مهم را به شکلی عینی لمس می‌کنند. نابرابری‌های اجتماعی در اثر گسترش و نفوذ اقتصاد جهانی عمیق‌تر شده است. مهم‌ترین پیامد نابرابری اجتماعی؛ شکاف طبقاتی، ایجاد اختلال در نظم و انسجام و همبستگی اجتماعی یک جامعه است که به تبع آن، احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌عدالتی اجتماعی در افراد به وجود می‌آورد و از آنجا که بقای نظام سیاسی هر کشور در گرو رضایت عموم مردم از شرایط اقتصادی، اجتماعی است، در پی آن مشروعیت نظام کاهش می‌یابد. در نمای کلی، این‌گونه به نظر می‌رسد که پاسخگویان در بیان وضعیت و تجربه زیسته خود پیرامون پیامدهای نابرابری و تبعیض در استان‌های غرب کشور از عباراتی نظیر؛ «فرصت‌های نابرابر اجتماعی-اقتصادی»، «افزایش جهل، خرافه، تنش‌های درون قومی و فساد»، «تغییر و نزول در ارزش‌های اجتماعی» و «کاهش کیفیت زندگی و سرمایه‌های انسانی» و

بسیاری دیگر از این عبارات استفاده کرده و به تفسیر پیامدهای نامطلوب نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی پرداختند.

راهکارها

۱. توزیع مناسب امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی در سطح منطقه.
۲. توجه ویژه در رسیدگی به وضعیت معیشتی دهک‌های فقیر جامعه، توزیع و تخصیص صحیح منابع بر مبنای نیاز واقعی و آمایش سرزمینی.
۳. کاهش احساس محرومیت نسبی و دسترسی به خدمات اجتماعی مناسب.
۴. عدم تبعیض در لایه‌های مختلف جامعه.
۵. پیشگیری از مهاجرت روستاییان با برخورداری از امکانات و توسعه لازم.
۶. کمک‌های دولت به افشار ضعیف و کم درآمد و حمایت بیشتر و کمک‌های مالی به قشر فقیر جامعه که با درآمدی اندک در زیر خط فقر قرار داشته و از رفاه و خدمات اجتماعی بی‌بهره‌اند.

منابع

۱. بوستانی‌کیایی، مریم (۱۴۰۰) «بررسی نابرابری اجتماعی و موانع عدالت اجتماعی در تحقق الگوی توسعه و پیشرفت شهر ساری»، یازدهمین همایش ملی جغرافیا و محیط زیست، دانشگاه گلستان.
۲. چلبی، مسعود (۱۳۹۵) جامعه‌شناسی نظم: تشریح نظری نظم اجتماعی، چاپ هشتم، تهران: نی.
۳. خنفیر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۸) اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، تهران: نگاه دانش.
۴. روزبهان، محمود (۱۳۸۷) مبانی توسعه اقتصادی، چاپ دوازدهم، تهران: تابان.
۵. ریتزر، جورج (۱۳۹۰) نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه خلیل میرزایی و علی بقایی سرابی، تهران: جامعه‌شناسان.
۶. ریزمن، لئونارد و ماریانواف انگویتا (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه محمد قلی‌پور، مشهد: آوای کلک.
۷. زاهدی، محمد جواد (۱۳۹۳) توسعه و نابرابری، چاپ پنجم، تهران: مازیار.
۸. کرون، جیمز (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، ترجمه مهرداد نوابخش و فاطمه کرمی، تهران: جامعه‌شناسان.
۹. کریمی، محمد شریف، دل‌انگیزان، سهراب و الهام حشمتی دایاری (۱۴۰۰) «اندازه‌گیری سهم رشد و نابرابری در کاهش فقر (مطالعه موردی استان‌های ایران)»، فصل‌نامه اقتصاد مقداری، دوره ۱۸، شماره ۱: ۶۳-۷۷.
۱۰. گرب، ادوارد (۱۳۹۹) نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه: محمد سیاه‌پوشان و احمد غروبی‌زاد، چاپ پنجم، تهران: معاصر.
۱۱. گزارش توزیع درآمد (۱۳۹۹) مرکز آمار ایران: ۲۳-۲۴.
۱۲. میر، میلاد (۱۴۰۰) شکاف طبقاتی و وضعیت فقر و نابرابری، تهران: دانشگاه تهران.
13. Aliprantis, D. & Carroll, D. (2019) «What Is Behind the Persistence of the Racial Wealth Gap? » **Economic Commentary**, Vol3: 1-5.
14. Aigner, S. M., Raymond, V. J., & Smidt, L. J. (2002) «Whole community organizing: For the 21st century», **Community Development**, 33(1): 86-94.

15. Fatke, M. (2018) «Inequality Perceptions, Preferences Conducive to Redistribution, and the Conditioning Role of Social Position». **Societies**, Vol 8:1-14.

16. Kim, S. (2008) «Political Institutions, Federalism and U.S. Urban Development: The Case of American Exceptionalism». Washington University: St. Louis, MO.

17. Kelley, J., & Evans, M.D.R. (2018) «Societal income inequality and individual subjective well-being: Results from 68 societies and over 200,000 individuals, 1981–2008», **Social Science Research**, Volume62: 1-23.

18. Kinsley, Kimberley L. author. Rycroft, Robert S. author. (2021) **Inequality in America: causes and consequences**. Santa Barbara, California: ABC-CLIO.

19. Krugman, P. R. (1997) **Development, Geography, and Economic Theory**, Cambridge, MA: The MIT press.

20. Nqwane, Sisipho (2021) «**Perceptions and attitudes towards social inequality**», Master of Commerce in Development Economics at the College of Business and Economics UNIVERSITY OF JOHANNESBURG.

21. Parsons, Talcott (1951) **The Social system**. New York: free press.

22. Ricci, C.A. (2016) «Perceived Social Position and Objective Inequality: Do They Move Together? Evidence from Europe and the United States», **Italian Economic Journal**. vol.2:281 303, DOI 10.1007/s40797-016-0037-8.

23. Sokolowics, M. E. (2014) «Institutional Economics in the Research of Local and Regional Development–A Theoretical and Practical Context». **International Journal of Arts and Sciences**, 7(3): 243-256.

24. Wang, M, Z., Judith A. Hall, J A. (2019) «Political skill and outcomes in social life». **Personality and Individual Differences**, Vol149:192-199.

25. Williams, Robin M., Jr. (1960) **American society: A Sociological Inter Prtation**. New York: Knopf.